

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد سی و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران! درود آتشین به همه رزمندگان آزاد و دربند! پیروز باد مبارزه عادلانه حزب توده ایران طلایه دار جنبش انقلابی کشور ما!

سی و سه سال از زندگی سراسر نبرد حزب توده ایران می گذرد

مهر ماه امسال سی و سه سال از زندگی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران میگذرد. ندکی سی و سه ساله، بزنگی بیست ساله حزب کمونیست ایران که در تابستان ۱۲۹۹ شمسی ش یافت، از هر بازه پیوسته است. طی این بیست و سه سال کمونیستهای ایرانی در شرایط و نا مساعد تاریخی، در نبردی نابرابر با سپاه اهریمنی ارتجاع و استعمار، پیوسته منادیان عالیترین عدالت و حقیقت بوده اند و از اینجهت، در محیطی که ارتجاع و عقب ماندگی دربرینه بر آن تسلط، به شهیدان، قهرمانان و طلایه داران تاریخ مبدل شده اند.

حزب توده ایران طی سی و سه سال زندگی خویش، همواره در مواضع عمده اصولی چون کوهی بوده است. این مواضع عبارت است از: وفاداری بادر زحمتکشان و دفاع از منافع و مطالبه حقوق حقه، مبارزه با بهره کشی و استعمار و نو استعمار در اشکال مختلف آن، دفاع از آزادیها و حقوق دموکراتیک و استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، دفاع از حقوق خلفهای ایران، دفاع از صلح منطقه و جهان، ز شتون مختلف ترقی مادی و معنوی جامعه، مبارزه رو در رو بی امان با همه مرتجعان، جهالت پروران و ستمگران اجتماعی.

حزب در این مواضع عمده اصولی، در همه مراحل زندگی خود بی تزلزل، پیگیر، سازش ناپذیر بوده ملا ساختن نیرنگ و خورج دشمنان خلق و اعتلاء کلمه حق پروائی نداشته و لذا مورد کین بی پایان ت سوزان نیروها و عناصر تاریکی است که رژیم کثونی ایران و سردمدارش شاه تجسم کامل آنهاست. تردیدی نیست که در این راه دراز و پر فراز و نشیب، در این بیچار پیچیده با دشمنان، قوی داخلی و مخالفان رنگارنگ، حزب از خطا و شکست مصون نمانده و نمیتوانست هم بماند. ولی حزب در بیچار ولی پرافتخار خویش، دمدم برنضج اندیشه و عمل خود افزود و دمدم از رفیقان نیمه راه، منجران راست، جاه طلبان و فرصت طلبان بی ایمان، کسانی که آثارا ظلمات این پویه دشوار نبود، زودود اگر مردمان و سازشکاران و تسلیم طلبانی بودند که بحزب، از پشت شسته زدند، مبارزان فراوانی نیز از حزب برخاستند، که به سنت مبارزه جانانه ارانی وفادار ماندند و در معبد بزرگ تاریخ از هرگونه بی و گذشت تا ایثار جان پیش رفتند. حزب باین فرزندان وفادار خود، به زندانیان خود، بهمه کسانی ز شب ظلمانی استبداد صمی از تلاش باز نمی ایستند، بهمه کسانی که هستی خود را وقف راه او کرده اند این از هر سوادنی فارغ بوده اند و هستند، می نازد.

حزب توده ایران مکتب بزرگ تربیت فکری و روحی قهرمانی و مبارزه، نیروی عظیم محرک جامعه و ستاره راهنمای جنبش انقلابی و رهائی بخش خلفهای ایران بوده و هست. نقش وی در گذشته و حال و در آینده نیز بی شک و خور د گذشته و حال خود خواهد بود. در تاریخ کهن کشور ما هرگز یک سیاسی انقلابی باین پایه نفوذ و تأثیر دست نیافته است.

دشمنان و مخالفان حزب ما، با مهره بازی گاد ماهرانه و گاه ناشایسته با فاکتورهای دست چین شده، بق سفسطه های گاه خشن گاه ظریف در واقعات تاریخی، سعی بلیغ بکار میبردند تا چهره حزب توده را در گورگه جلوه گر سازند، یعنی گوهر واقعی انقلابی را استور دارند، خصلت طبقاتی، خانی و عمیق آنرا انکار کنند، و این حزب را بانواع اتهامات فجع که سزنده خود آنهاست، منجم گردانند.

ولی تجارب گوناگون نشان داده است که ابرهای تیره سفسطه و اتهام میآیند و میگذرند و خورشید کماکان گرم تابان است. حزب در تاریخ سی و سه ساله خود از این مدعیان زبند دیده و همیشه بیانش راسخ به سرشت پاک اصولی و انقلابی خود، با ایقان کامل به ریشه زرف تاریخی خود، باتکاء مینهانه خود در راه خلق و باور به تضاد تاریخ، به این گروه کف بر لب، یاره درای، بهتان باف ام گوی با بی افتنای نسگری است. این مترسکهای رنگارنگ، یکی پس از دیگری آمده اند و از رفته اند ولی آوای رسای حزب کماکان در فضای میهن با نغز نادی رزم طین افکن است. مترسکهای ی که امروز گاه برتخت طروس و گاه بر منبر انقلابی کاذب می نشینند و با همان حربه های سستی و بهتان بسراف حزب ما می آیند، دیر یا زود سزنگونی خواهند شد و حزب کماکان با سر افرازی ت تاریخی خویش عمل خواهد کرد.

با آنکه بارها این حزب را، متعاه، اعلام داشته اند و انقلابی مآبان عوامفریب آنرا تا حدیک کمیته ای از هم پاشیده و تنزل داده اند، ترس واقعی و معنوی دشمنان و مخالفانش، از شاه گرفته تا سفسطه مائوئیست، فقط و فقط از این حزب است، ترس معنی واقعی این کلمه.

این ترس در تمام زیر و بم سخنان این دشمنان و مخالفان حزب، گاه عیان گاه نهان، احساس میشود. این، حزب متعاه، این، کمیته مرکزی، متعظ و پاشیده، در چیست که دیکتاتور ایران گرانش، مدعیان انقلابیت و پیروانشان را این همه به تعره زدن و سفسطه بافتن امیدارد؟ پاسخ است، زیرا حزب توده ایران به حقیقت انقلابی عصر ما - مارکسیسم - لنینیسم، ایمان دارد، در زیر انترناسیونالیسم پرلترتی استوار ایستاده و هیچ انضوونی در وی مؤثر نیست و بد همان خواهان حس میکنند ارتدگان این «طلسم» از هفتخوان خون آلود تاریخ پیروز بیرون خواهند آمد.

آری حزب توده ایران پیروزمند فرداست و در این حقیقت کمترین تردیدی روا نیست. حزبی که روزنامه، اطلاعات، آنرا منشأ همه ناگواریهای رژیم و، شجره خبیثه، نامیده، در واقع ریشه های در خاک ایران دوخته است و بیشک روزی شاخسار انبوه آن، میوههای شاداب ببار خواهد آورد. بگذار نت و مخالفان بر خود بلرزند! از غضب بسرحد جنون برسند، ولی بگذار بدانند که علی رغم رخی در حوادث و هر درنگ و شتابی در سیر وقایع، این حکم تاریخ سر انجام اجرا خواهد شد، زر که آدلف هیتلر در آلمان با «گشتاپو» و سالازار در پرتغال با سازمان «پیده» و یواندیس در با سازمان «اسا» نتوانستند ریشه معجز نمون سازمان پیشرو انقلابی طبقه کارگر را خشک کنند. رضا شاه نیز در ایران با «ساواک» خود، بدین کار قادر نخواهد بود.

۱. سپهر

روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۴ یکسال از توطئه فاشیستهای شیلی بسرکردگی ژنرال آوگوستو پینوشه علیه حکومت، ثونیداد پوپولار، (اتحاد خلق) که در جریان آن رفیق سالوادر آلینده، رئیس جمهور پر افتخار این کشور به شهادت رسید میگذرد.

در این یکسال شیلی که زمانی سرشار از نشاط و نوید آزادی و جولان به سوی آینده بود به سرزمین ماتم زده اعدامها، شکنجه و تروم و گرانی بدل شده و پیشوایان مردم و در پیشانی آنها لوتیس کورولان دبیر کل حزب کمونیست شیلی در پس منله های زندان اسیر چنگ درخیمانند.

رئیس جمهور آلینده پس از پیروزی «ثونیداد پوپولار» در پنجم سپتامبر ۱۹۷۰ چنین گفت: «ما پیروز شدیم تا بهره کشی امپریالیستی را بشکل نهائی از میان برچینیم، انحصارها را لغو کنیم، یک اصلاح ارضی واقعی و عمیق را تحقق بخشیم، صادرات و واردات را تحت نظارت در آوریم و بانکها را ملی کنیم. پیشرفت شیلی تنها بر این پایه ممکن است. و اینها در نظر امپریالیسم جرائم نابخشودنی بود. روزنامه «ایتر» نشنل هرالد تریبون، روز نهم سپتامبر ۱۹۷۴ مداخله سازمان سیا را در سرنگونی حکومت آلینده تصریح کرد و چنین نوشت: «موافق گواهی ویلیام کلی»

رئیس آژانس مرکزی جاسوسی (سیا) در کنگره دولت نیکسون اجازه داد که طی اسلهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ هشت میلیون دلار خرج شود تا ادامه حکومت آلینده غیر ممکن گردد. کلی در یک جلسه سری در کنگره که در آوریل ۱۹۷۴ تشکیل شد گفت که هدف ما ناپایدار ساختن حکومت مارکسیستی آلینده

بودیم! هستیم! خواهیم بود!

بود... کلبی گفت که این اقدامات را کمیته چهل نفری، در واشنگتن که در واقع مقام عالی سازمان سیا است و بر رأس آن هنری کیسینجر قرار دارد، تصویب کرده بود. آنچه که در یازده سپتامبر ۱۹۷۳ در شیلی با



خرج ۸ میلیون دلار علیه آلینده انجام گرفت، در ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ در ایران با خرج ۱۹ میلیون دلار علیه مصطفی انجام گرفته است. نتیجه این دو توطئه سیاسی جلاجل شیلی است بنام اوگوستو پینوشه و دیگری جلاجل ایران است بنام محمد رضا شاه پهلوی. ولی خلفها بمبارزه خود ادامه میدهند و در قبال هیچ توطئه ای تسلیم نمیشوند و نخواهند شد.

از منابع نفتی ایران باید استفاده معقول بعمل آید

درآمد میباید تولید شود. مسئله اساسی مورد بحث اینست که با توجه به اینکه منابع نفت از جمله منابع همیرنده است، یعنی سرانجام زمانی نیابان میرسد، چه سیاستی باید اتخاذ گردد که ضمن تأمین مصرف داخلی و تأمین درآمد ارزی خارجی، مرگ این بزرگ ترین منبع ثروت ملی، بصورق افتد؛ چه سیاستی باید اتخاذ گردد که هنگام پایان یافتن منابع نفت، به اقتصاد ملی لطمه ای وارد نشود و یا لا اقل لطمه جبران ناپذیر وارد نشود.

بظرف ما میتوان تولید نفت را، بمنظور طولانی کردن استفاده از منابع نفت، محدود کرد و در همان حال مصرف داخلی، اگرچه روز افزون باشد و هست، و درآمد ارزی خارجی ایران را هم تأمین نمود. ولی شرط نیل به این هدف آنست که اولاً ایران حاکمیت خویش را بر منابع نفت خود برقرار کند. برقراری این حاکمیت از جمله معنی جلوگیری از غارت کثونی شرکتهای امپریالیستی نفتی، بمعنی جلوگیری از بازری شرکتهای امپریالیستی نفت با قیمت نفت بزرگ کشور های تولید کننده نفت است، و این هر دو بدینمعنی است که ایران سهم واقعی خود را از درآمد نفت، منباله در صحنه آ

بحث در باره قیمت نفت - افزایش، کاهش و یا تثبیت قیمت نفت - به بحث در باره افزایش، کاهش و یا تثبیت تولید نفت. در کشور های تولید کننده نفت کشیده است، بدینمعنی که گروهی از کشور های تولید کننده نفت پیشنهاد میکنند که برای جلوگیری از کاهش بهای نفت، تولید نفت کاهش یابد. همزمان با این بحث و در چارچوب بحث درباره «بحران انرژی» یعنی هم بطور کلی بیامان آمده، مبتنی بر اینکه چون منابع نفت تمام شدنی است، میباید تدابیری برای جلوگیری از بهره برداری بیحساب از منابع نفتی اتخاذ گردد.

صرفنظر از اینکه اوپک - و از جمله ایران - تصمیمی برای کاهش و محدود کردن تولید نفت اتخاذ کند یا نه، و صرفنظر از اینکه تصمیم در باره کاهش و محدود کردن تولید نفت بر چه پایه ای مبتنی باشد - برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت یا برای جلوگیری از اتلاف منابع نفت - ما میل داریم بار دیگر موضع اصولی خود را در باره تولید نفت و سیاست دولت ایران در این زمینه بیان داریم. این نکته روشن است که اولاً نفت برای مصرف داخلی و ثانیاً نفت برای صدور به خارج و کسب

بسط سلطنت استبدادی

« شاه شاهان »

در حبشه برچیده شد

بر کناری دولت آکلیو آبه وولد، در فوریه ۱۹۷۴ بوسیله نیروهای مسلح حبشه (ایثیوپ) نقطه تحولی در زندگی آکنده از درد و ستم مردم این کشور بود. فقر عمومی که در نتیجه خشکسالی چند سال اخیر و استعمار شدید فئودالان ویی توجیهی و سوء استفاده مقامات دولتی دزد و فاسد تا حد توانفرسائی شدت یافته بود و باعث مرگ دهها هزار مردم رنجیده گردید، عناصر مترقی و میهن پرست ارتش و پلیس حبشه را به پشتیبانی از مردم و قیام علیه دولت برانگیخت. در نتیجه این قیام بسیاری از وزراء و مأموران عالیترتبه دولتی از جمله نخست وزیر بازنشسته شدند. دولت جدیدی به نخست وزیری اندل کاچه نو - ماکونن، برای انجام فرم در تمام شعبون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور بر سر کار آمد. وی بی پروای معلوم شد که این دولت خود آت دست ارتجاع است. دولت جدید در حالیکه تمام نیروی خود را علیه طبقه کارگر، اتحادیه های کارگری و اعتصابات کارگری و نیز علیه سایر نیروهای مبارز موجه کرده بود، میکوشید و سبیل آزادی خائنین مردم را فراهم آورد و راه را بر اصلاحات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی سد کند. ولی نیروهای مترقی ارتش و پلیس که در کمیته هماهنگی نیروهای مسلح متحد شده بودند، پیش از آنکه فرصت از دست برود و نیروهای ارتجاع ابتکار عمل را بدست گیرند، در ماه ژوئن دوباره وارد میدان شدند و با اشغال مجدد دستگاههای رادیو و تلویزیون و فرودگاه و سایر مراکز مهم و حساس، برکنار کردن حکومت خائن و سردست زمام امور کشور بدست میکائیل ایمره، مرحله تازه ای در مبارزه علیه ارتجاع و نهاد و تأمین اصلاحات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آغاز نهادند.

دربارین و اطرافیان هایلله سلاسی (که خود را امپراتور و شاه شاهان و شیر فاتح یهودا مینامید) سران فئودالها و مقامات عالیترتبه دولتی باز داشت شدند. شورای ساطتی و دادگاه استیناف امپراتوری که دستگاههای اجرائی و قضائی کشور را عملاً در دست داشتند، منحل شدند. کاخها و ویلاهای متعدد سلطنتی و بزرگترین شرکت حمل و نقل کشور که تمام سهام آن به هایلله سلاسی و درباریان و یارانش تعلق داشت، ملی گردید و وزارت دربار منحل شد. دولت طرح قانون اساسی جدیدی را منتشر کرد. در این قانون اختیارات مطلقه شاه شاهان از او سلب شد. برابری مردم در برابر قانون، آزادی بیان و قلم و حق ایجاد سازمانهای صنفی و سیاسی، تحصیل رایگان و تأمین بیمه های اجتماعی اعلام گردید. برای رسیدگی به سوء استفاده و جنایات مقامات عالیترتبه دولتی کمیسیون خاصی تشکیل شده است. در نخستین گزارش این کمیسیون گفته میشود که مقامات دولتی و فئودالها مسئول اسامی مرگ دهها هزار تن از مردم حبشه در مناطق قطعی زده هستند. بدینجهت نخست وزیر سابق و عدای از وزراء و استانداران کشور تسلیم دادگاه خواهند شد.

دولت جدید برنامه های وسیعی برای رفاههای اجتماعی و اقتصادی تنظیم کرده است. انتخابات عمومی بزودی آغاز خواهد شد. اکنون دوره های تازه و امید بخشی در برابر مردم ستم دیده حبشه بوجود آمده است.

در تمام ظلم و ستمی که نسبت به مردم حبشه انجام گرفته، گناه اصلی موجه شخص هایلله سلاسی است. شاه با سلطنت مطلقه خود و غارت مردم کشور را به تباهی و مردم را تا مرز نابودی سوق داده بود. خیزگردها خبر دادند که این شاه شاهان یازده میلیارد دلار پول نقد و چند تن طلا در بانکهای خارجی انباشته دارد. در بسیاری از نامه هایی که به مطبوعات حبشه میرسد، مردم برانداختن تمام نهادهای کهنه و پلانی دادن به نظام فرسوده را طلب میکنند. در تظاهرات وسیعی که در اوایل سپتامبر از طرف دانشجویان در آدیس آبابا انجام گرفت، برای نخستین بار شعار

« قیام » پلیس

از: یوگنی یوتوشنکو، شاعر شوروی

سازمان خون آشام دیده، که مانند ساواک، در دوران سالزار و کایتانو در پرتغال گرم شکنجه دادن و آدمکشی بود، در اثر تحولات دمکراتیک در این کشور منحل شد و عده ای از کارگردانان آن زندانی گردیدند. این آقایان در زندان دست به « قیام، زندان! شمر زیرین از شاعر معاصر شوروی یوگنی یوتوشنکو در رابطه با این حادثه سروده شده و در « پروادا » نشر یافته است و اینک ترجمه آن بنظر خوانندگان « مردم » میرسد.

پلیس دوران سالزار

« پاسدار امنیت » در عهد کایتانو

اسمش را عرض میکنم، تأمل کنید

تلفظش چندان سخت نیست: دیده

بله دیده، که متصنفاغ سیاه مردم را بچوب میزد که همه را دنبال میکرد، حبس میکرد، زیر شکنجه میکشت

حالا خودش به « هلفدونی » تشریف فرما شده

واقعا خیلی اسباب دلخوری است

« آه چقدر این سوپ آبکی است! »

« چقدر اوضاع اینجا افتضاح است! »

و راویان گویند که در زندان لیبون

بیده در هتل ناراحت کنونی خود

کف بر دهان، قیام کرده

پلیس و زندان؟ بیچاره ها!

واقعا این عجزه تاریخ چقدر مزاحم است!

پلیس در زندان سرگرم جارو و پارو.

آنهم در این سوراخ کثیف و بی معنی؟! اوه بیخسید. ولی اینرا که خودتان ساخته اید.

شما بودید که در این شکنجه خانه ها

امریه اجراء میکردید.

بیخسید! اگر گرش ساسا قفلی نازاحتان کرده.

میل داشتید سینما بروید؟

گردش در خیابان دلتان خواست؟

ولی آخر امروز دیگر کسی احق نمیشود

واقعا چقدر خنده دار است

« قیام » جذاب بیده در زندان.

برکناری هایلله سلاسی مطرح گردید. کمیته هماهنگی این خواست مردم حبشه را عملی ساخت. هایلله سلاسی از سلطنت معزول گردید و بدینسان ارکان یک تخت و تاج استبدادی دیگر فرو ریخت و بساط « شیر فاتح یهودا » و « شاه شاهان » برچیده گردید.

حوادث حبشه و تجربه آن برای مردم ستمدیده و نیروهای مترقی ایران، بخصوص برای ارتشیان میهن مدارای اهمیت فراوان است. جانی که نیروی های مسلح که خود از میزبان توده مردم برخاسته اند، بپارزه مردم نیبوندند و در راه حفظ منافع آنان گام نهند، پیروزی بر نیروهای سیاه ارتجاع امری تحقق پذیر خواهد بود.

بعلاوه این حوادث نشان میدهد که برخلاف ادعای شاه ایران و شیوچیان دربار که گویا کشور بدون شاهنشاه قدرت بقاء ندارد، اتفاقاً رستاخیز واقعی آن کشور زمانی آغاز میگردد که این کابوسهای تاجدار از پیشکرم میهن و مردمش دور گردند و مردم بقدرت دین، تنفس و عمل آزادانه دست یابند.

مسرود

شرکتهای اسلحه سازی آلمان غربی در ایران رخنه میکنند

رژیم خونخوار شاه ایران به خرید تانک و لئوپارد، آلمان غربی، اظهار علاقه می کند. حد اقل چهار شرکت اسلحه سازی آلمان غربی که بزرگترین صادر کنندگان اسلحه در دوران پس از جنگ دوم جهانی هستند، راه خویش را بایران باز کرده اند. این چهار شرکت بزرگ اسلحه سازی عبارتند از: شرکت اسلحه سازی « فلیک و هانبل » از « بلویر » شرکت « دیسل » شرکت « کرافوس - مافتی » و شرکت « ریشینگ » از « دوسلدورف ». این شرکتها اجازه کامل ساختمان زره و زنجیره تانک و دستگاههای موتوری و ریختن توپهای تانک را برای کشور « تخت طاووس » بدست آورده اند. ژنرال طوفانیان رئیس صنایع اسلحه سازی ایران و نخست وزیر هویدا طی مسافرتهای خود به آلمان غربی از مؤسسات اسلحه سازی نامبرده دیدن کرده اند. « زیگبرید مان، معاون لبر » وزیر دفاع آلمان غربی که از نزدیکان شرکت فلیک و کومپانی است شخصا به ایران رفته است و در باره ساختمان زرادخانه نظامی مذاکرات متمادی را در ایران انجام داد. است. (روزنامه « اونزهره تسایت » شماره ۱۲ اوت ۱۹۷۴)

دنیاله از صفحه ۱

از منابع نفتی ایران باید...

که اکنون بخش قابل ملاحظه آن به جیب شرکتهای نفتی امپریالیستی میروند - دریافت کند. بسخن دیگر اگر حاکمیت ایران بر منابع نفت خویش تأمین شود، میتوان تولید نفت را محدود کرد، ولی همین درآمد را بدست آورد و حتی افزایش داد. ثباتاً میباید درآمد نفت صرف رشد واقعی و همه جانبه اقتصاد ملی ایران گردد، بطوریکه در آینده اقتصاد ملی ایران بدون نفت هم بتواند نه فقط روی پای خود بایستد، بلکه به رشد و تکامل خود ادامه دهد. ثالثاً بهمان ترتیب که در زمینه تعیین بهای نفت میباید با سایر کشورهای تولید کننده نفت در چار چوب اوپک، مشورت و همکاری کرد و تصمیم مشترک اتخاذ نمود. در زمینه تعیین سطح تولید نفت نیز میباید وحدت نظر و عمل بین کشورهای تولید کننده نفت بوجود آید. وجهه متحد در تمام زمینه ها، از جمله در زمینه تولید نفت، مانع آن خواهد شد که شرکتهای امپریالیستی نفت از اختلاف بین کشورهای تولید کننده نفت برای اعمال فشار و تحمیل سیاست امپریالیستی خود به آنها استفاده کنند.

سیاست دولت ایران در زمینه تولید نفت چیست؟ برای دولت ایران تا همین اواخر مسئله تولید نفت فقط در ارتباط با درآمد نفت مطرح بود، یعنی دولت ایران برای افزایش درآمد نفت خود تنها چانه ای که با شرکتهای نفتی میزد، در باره افزایش تولید نفت بود. و این بدترین و زیان بخش ترین راه افزایش درآمد نفت است. زیرا افزایش تولید نفت با حفظ تسلط شرکتهای امپریالیستی نفت، با حفظ سود غارتگرانه شرکتهای امپریالیستی نفت، با اینکه در درآمد نفت ایران می افزاید، ولی بطور عمده بمعنی حفظ و تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم، از دست دادن بخش عمده درآمد نفت و به تدریج کاهش سریع منابع نفت است. در جریان بحث درباره « بحران انرژی » شاه و سایر زمامداران ایران هم به سخن پراکنی در باره محدود کردن تولید نفت و صرفه جوئی در سوخت این « ماده نجیب » پرداختند. ولی این سخن پراکنیها در همان مرحله سخن پراکنی باقیمانده است. چون در عمل نه فقط تولید نفت ایران توسط شرکتهای موجود نفتی - بدون پیش بینی آینده - افزایش می یابد، بلکه با دادن امتیازات تازه به شرکتهای جدید نفتی، از منابع جدید نفتی ایران نیز - باز هم بدون پیش بینی آینده - بهره برداری میشود. این واقعیت هم که درآمد نفت ایران بطور عمده صرف تسلیحات و دستگاه انتظامی و اداری میشود، و در این اواخر وسیله کمات به نجات سرمایه داری غرب از بحران نیز قرار گرفته است، نیازی به تأکید ندارد. بدینسان آن سیاست ضد ملی که منابع نفت ایران را به حراج گذاشته است، همچنان ادامه دارد.

سیاست نفتی دولت ایران، که اینچنین بی پروا بزرگترین ثروت ملی ایران را بر باد میدهد، در عین حال نوید این واقعیت است که شادو کشتگان، علیرغم تظاهر و سرور، صدا در باره حکومت ابدی، خاندان پهلوی و سرمایه داران و مالکان بزرگ، حکومت خود را سوخت و گذرا میدانند. آنها در فکر حال و آینده ایران نیستند. آنها این ثروت ملی را بر باد میدهند تا مگر بتوانند دوران حکومت موقت و گذرای خود را طولانی تر کنند.

مردم ایران بر باد دهندگان ثروت ملی خود

دروغی که افشاء شد

اخیراً جرالد فورد رئیس جمهور امریکا، مصاحبه ای با یک دیگر مسئله ساختمان پایگاه اتمی دریایی امریکان جزیره مرجانی « دیه گوگلسیا » در اقیانوس هند را بیان کشیده و گفت که این متعهد امریکا قصد دارد به ساختمان این پایگاه ادامه دهد و استدلال کرد که این پایگاه برای ضرورت است که اتحاد شوروی در سه نقطه اقیانوس پایگاه نظمی دارد.

این دعوی جرالد فورد نظیر ادعای شاه است که در مورد پایگاه « دیه گوگلسیا » به روزنامه هندی « پلیس » گفته بود که وقتی دید یعنی (اتحاد شوروی) در اقیانوس هند پایگاه ما نمیتوانیم امریکا را از ساختن پایگاه منع کنیم چنانکه میدانیم باید ایجاد پایگاه نظامی امریکا در اقیانوس هند همه کشور های آسیای (انمونزی) اعتراض کردند، بجز چین و ایران، در نتیجه تکرار این دعوی در اظهارات جرالد فورد مطبوعات شوروی متذکر شدند که این اظهارات رئیس جمهور امریکا بی پایه است و شوروی هیچگونه پایگاهی در اقیانوس هند ندارد، ولی پنتاگون در تأیید اظهارات رئیس حاکم امریکا بنظر خود « فاکت های » را منتشر کرد حاکم آنکه گویا اتحاد شوروی در « ام القصر » (عرا و بربره، (سومالی) و عدن، (جمهوری دمکرا یمن) پایگاههایی دارد.

بندها این ادعای با مصطلح مشخص پنتاگون خبرگزاری عراق ضمن اطلاعیه ای تصریح کرد وجود پایگاه شوروی در « ام القصر » از اول تا دروغ و جعل است. سفیر جمهوری دمکراتیک سو در پاریس و دولت جمهوری دمکراتیک یمن نیز اظهار بی باکی وجود چنین پایگاههایی را در کشور شدیداً تکذیب کردند.

جالب توجه است که در سوئالی که از مؤسسه بررسیهای استراتژیک بعمل آمده و رادیوی لندن (بی بی سی) آنرا منتشر کرده است سؤال که میسر شد که آیا شوروی در سه محل نامبرده دارای پایگاه هست یا نه؟ مؤسسه فوق پاسخ میدهد که تا پاد را ما به چه معنی درک کنیم. شوروی در این سه نیروی مسلح ندارد، قرار گاه دائمی ندارد، استحکام و مؤسسات ساخته شده ندارد. و از اینجهت نمیتوان از پایگاه صحبت کرد. اینک جرالد فورد « شاه » پنتاگون و ۴۳ زندگان یکن در مقابل این دروغ افشاء شده چه میگویند

تصحیح

در مقاله « صدلی سازمان امنیت از دهان نستهها بیرون میآید، منتشره در شماره ۱۱۸ مردم از - در این میان ناگهان صدای بیگانه - این ج افزوده شود: «ای بر خاست و به این عمل ها، دینان کفدراسیون « اعتراض کرد. این صا بیگانه ...»

را هرگز نمی بخشند. مردم ایران مبارزه خود را بر چنین بساط حکومت این خود کامگان و غارتگر برای استقرار حاکمیت خود بر منابع نفت ایران، بر استفاده معقول از منابع نفت ایران بسود رشد و توسعه اقتصاد ملی ایران و ایجاد یک زندگی آزاد و تشدید میکنند. این واقعیت را هم باید شاه و کماشکنا بداند.

م. انوشه